**نقش بخش خصوصی و دولتی در اقتصاد کشاورزی**

**پوریا سعدالهی[[1]](#footnote-1)**

دکترای گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند

چکیده

سرمایه گذاری محرک رشد اقتصادی هر کشور به شمار می آید. سرمایه گذاری در اغلب کشور ها، به ویژه در کشور های در حال توسعه، از جمله ایران، توسط بخش خصوصی و دولتی انجام می گیرد. از میان سرمایه ‌گذاری در بخش ‌های مختلف اقتصادی، سرمایه‌ گذاری در بخش کشاورزی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. سرمایه‌ گذاری در بخش کشاورزی علاوه بر این که موجب رشد، تولید و اشتغال در این بخش می ‌شود، با توجه به ارتباطات پسین و پیشین با سایر فعالیت‌ ها، به رشد، تولید و اشتغال در سایر بخش ‌ها نیز کمک می‌کند. بخش کشاورزی به دلیل ارزش افزوده ی تولیدی مهم ترین بخش اقتصادی کشور بوده، اما در سال های گذشته، همواره سهم اندکی از سرمایه گذاری کل کشور به این بخش اختصاص داده شده است. با توجه به بالا بودن کارایی سرمایه گذاری و بهره وری نیروی کار در این بخش نسبت به بخش های دیگر، به دلایلی همچون ریسک بالای سرمایه گذاری، تورم لجام گسیخته و نبود ثبات اقتصادی، سرمایه گذاران تمایلی به فعالیت در بخش کشاورزی ندارند. در ایران دولت مهم ترین پشتوانه ی بخش کشاورزی به حساب می آید که می تواند با ایجاد فضای امن سیاسی، اقتصادی و سیاست های حمایتی و سرمایه گذاری طولانی مدت، باعث رشد و توسعه ی بخش خصوصی شود. در این پژوهش به بررسی روند سرمایه گذاری خصوصی در ایران، اقتصاد کشاورزی در ایران و جهان و راهبرد هایی امنیت و حفظ سرمایه گذاری، پرداخته می شود.

واژههای کلیدی**:** اقتصاد کشاورزی، بخش خصوصی، بخش دولتی

**مقدمه**

بخش کشاورزی به عنوان بخش پایه و استراتژیک اقتصاد، تامین کننده ی غذا و مواد اولیه برای سایر بخش ها است و در صورت فعالیت مفید این بخش است که زمینه ی فعالیت و پیشرفت سایر بخش ها تهیه شده و کشور به سوی توسعه سوق می یابد. آن چه مهم است اين است كه توسعه و رونق صنايع با يك ابزار ميسر نمي شود به خصوص بخش كشاورزي كه به دليل بهره وري پايين و داشتن ريسك هاي خارج از كنترل همواره به چندين ابزار حمايتي در كنار اعطاي تسهيلات ارزان قيمت احتياج دارد. در كشورهاي پيشرفته بيش از ۱۰ نوع ابزار حمايتي متناسب با محصول توليدي براي توسعه و پيشرفت بخش كشاورزي در اختيار مي گيرند. بنابراين موتور محرك سرمايه گذاري بخش خصوصي در كشاورزي همان پشتیبانی سرمايه گذاري هاي زير بنايي دولت است. همچنين افزايش هدفمند ميزان تسهیلات سرمايه اي بانك ها به ويژه از نوع ارزان قيمت مي تواند موجب بهبود سرمايه گذاري در بخش كشاورزي باشد. سهم سرمایه گذاری بخش کشاورزی از کل سرمایه گذاری های صورت گرفته در کشور، متناسب با توانایی ها و نقش محوری آن در اقتصاد ملی نیست و نیاز بخش را تامین نمی کند( Pazhoyan & Khosravi, 2012).

**سابقه ی نظری**

روند سرمایه گذاری خصوصی در کشاورزی

از میان سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی، سرمایه گذاری در بخش كشاورزی اهمیت و جایگاه خاصی دارد. سرمایه گذاری در بخش كشاورزی علاوه بر این كه موجب رشد تولید و اشتغال در این بخش می شود، با توجه به ارتباطات با سایر فعالیت های اقتصادی، به رشد تولید و اشتغال در سایر بخش ها نیز كمك می كند. باید گفت سرمایه گذاری بخش خصوصی از متغیر های مهم در توسعه بخش كشاورزی است. یافته های تجربی نشان می دهد نرخ تورم و ارزش افزوده مهمترین عوامل تأثیرگذار بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در كشاورزی است كه در این میان حساسیت سرمایه گذاری خصوصی نسبت به ارزش افزوده بیش از دیگر متغیر هاست. البته متغیرهای دیگری از جمله تغییرات ساختاری نظیر مالكیت زمین، میزان كنترل و دخالت دولت، وضعیت سودآوری كشاورزی نسبت به بخش های دیگر، وجود امكانات زیربنایی لازم و غیره بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در كشاورزی مؤثرند ( Jafari & Mohammadi, 2012).

منابع مالی برای سرمایه گذاری بخش خصوصی در كشاورزی از دو طریق تأمین می شود:

الف) سرمایه گذاری از محل پس انداز سرمایه گذاران

ب) تسهیلات اعتباری پرداختی توسط بانك ها به این بخش ( Udoh, 2011).

ضریب تشكیل و انباشت سرمایه و پس انداز در میان بهره برداران بخش كشاورزی بسیار پایین است به طوری كه درآمد اكثر آن ها صرف هزینه های جاری زندگی شان شده و حتی بسیاری از آن ها زندگی را به سختی می گذرانند. به همین دلیل سرمایه گذاری در بخش كشاورزی شدیداً به سرمایه گذاری دولت و اعتبارات بانكی به عنوان پایه اصلی سرمایه گذاری خصوصی وابسته است. روند سرمایه گذاری بخش خصوصی در كشاورزی؛ با شروع اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۴۵ با وجود افزایش وام های اعطایی سرمایه ای از طرف بانك ها به سرمایه گذاران بخش خصوصی، به دلیل خروج سرمایه های شخصی زمین داران و انتقال آن به بخش های دیگر اقتصاد، به ویژه شهرها، سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش كشاورزی با كاهش روبه رو شد ( Danesh jafari & Karimi, 2011). با تدوین مقررات تأسیس شركت های بهره برداری از اراضی زیر سد ها و جلب سرمایه های داخلی و خارجی میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ افزایش یافته است. اما به علت كاهش شدید در وام های سرمایه ای پرداختی از طرف بانك ها، رشد سرمایه گذاری در سال۱۳۴۹ به 0.5 درصد محدود شد. در سال های ۵۴-۱۳۵۰ مجدداً وام های پرداختی به كشاورزان افزایش یافت و در سال۱۳۵۴ سرمایه گذاری بخش خصوصی در كشاورزی به ۸۳۳‎/۱ میلیارد ریال رسید. در سال ۵۸-۱۳۵۵ در نتیجه كاهش وام های پرداختی بانك ها، تنش های سیاسی شروع انقلاب، سرمایه گذاری بخش خصوصی شدیداً كاهش یافت و از ۸۰۶‎/۴۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ به ۲۹۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ رسید. در سال های ۶۷-۱۳۵۹ به دلیل جنگ و عدم ثبات اقتصادی، میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در كشاورزی با نوسانات متعدد مواجه بوده است. به دلیل فرار سرمایه ها به خارج از كشور سرمایه گذاری خصوصی در این بخش در سال ۵۸ به پایین ترین میزان خود رسید. در سال ۵۹ با توجه به كاهش درآمد ارزی دولت و در نتیجه كاهش صادرات نفت، به واردات مواد اولیه ی كشاورزی نسبت به صنعت و خدمات اولویت داده شد كه به افزایش عرضه ی نهاده های كشاورزی انجامید و در نهایت سرمایه گذاری بخش خصوصی را به شدت افزایش داد. در سال۱۳۶۱ به دلیل افزایش تورم، كاهش پس انداز و سرمایه گذاری در كل اقتصاد، سرمایه گذاری بخش خصوصی كاهش یافت. در سال های ۶۳ تا ۶۷ به دلیل افزایش تورم، كاهش درآمدهای نفتی و نیز كاهش ارزش افزوده بخش كشاورزی سرمایه گذاری در این بخش دچار نوسان های زیادی شد. همزمان با برنامه ی اول توسعه در دوره ۷۲-۱۳۶۸ با افزایش پرداختی نظام بانكی به بخش كشاورزی و همچنین حذف سیاست تثبیت قیمت محصولات كشاورزی سرمایه گذاری بخش خصوصی روند صعودی یافت. در برنامه ی دوم توسعه ۷۶-۷۲ سرمایه بخش خصوصی به دلیل افزایش اعتبارات بانكی روندی افزایشی به خود گرفت اما باز هم اهداف پیش بینی شده در برنامه به طور كامل برای بخش كشاورزی محقق نشد. در برنامه ی دوم توسعه، بخش كشاورزی محور توسعه قلمداد شده اما چون سرمایه گذاران به سود سرمایه گذاری توجه دارند و براساس آن تصمیم و اقدام به سرمایه گذاری می كنند و از طرف دیگر به دلیل وضعیت تورمی در دوره ی مذكور كه موجب بی اطمینانی به آینده و عدم امكان ارزیابی دقیق هزینه ها و درآمد ها و افزایش ریسك بخصوص برای كشاورزی كه با ریسك فعالیتی هم همراه است، اهداف برنامه در بخش كشاورزی محقق نشده و به صنعت در طول این برنامه نسبت به كشاورزی اهمیت بیشتری داده شد ( Rajaie & Khorasani, 2012). سرمایه گذاری در بخش كشاورزی تا حدودی از روند سرمایه گذاری كل تبعیت می كند ولی سهم آن از سرمایه گذاری كل نزولی بوده تا جایی كه نسبت فوق از نسبت ارزش افزوده بخش كشاورزی به تولید ناخالص ملی همواره كمتر بوده است. بنابراین موتور محرك سرمایه گذاری بخش خصوصی در كشاورزی همان سرمایه گذاری های زیر بنایی دولت است. همچنین افزایش میزان وام های سرمایه ای بانك ها بویژه وام های ارزان قیمت می تواند موجب بهبود سرمایه گذاری در بخش كشاورزی باشد. تقریباً در تمام دوره های بررسی شده كاهش و افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی در كشاورزی شدیداً وابسته به میزان وام های اعطایی از طرف دولت بوده است. بنابراین به نظر می رسد رویكرد دولت در اعطای وام های ارزان قیمت به بخش كشاورزی چنان چه به موقع و به طور برنامه ریزی شده اجرا شود، می تواند چندین هدف را به طور همزمان پوشش دهد. توسعه و رونق بخش كشاورزی، افزایش اشتغال در قالب طرح های زود بازده و كوچك و همچنین تأمین امنیت غذا و خودكفایی و رشد صادرات غیر نفتی در قالب محصولات كشاورزی می تواند از نتایج این ارائه تسهیلات ارزان قیمت به بخش كشاورزی باشد ( Mirzaie & Mirzaie, 2011). اما آن چه مهم است این كه توسعه و رونق صنایع با یك ابزار میسر نمی شود بخصوص بخش كشاورزی كه به دلیل بهره وری پایین و داشتن ریسك های خارج از كنترل همواره به چندین ابزار حمایتی در كنار اعطای تسهیلات ارزان قیمت احتیاج دارد. در كشورهای پیشرفته بیش از ۱۰ نوع ابزار حمایتی متناسب با محصول تولیدی برای توسعه و پیشرفت بخش كشاورزی در اختیار می گیرند. نتیجه یك پژوهش در زمینه اثر وام های اعطایی بانك كشاورزی با استفاده از مدل های اقتصاد سنجی نشان می دهد كه اعتبارات بانك كشاورزی در كوتاه مدت بر اشتغال و در بلند مدت بر سرمایه گذاری تأثیر مثبت داشته است ( Yari, 2011). اگرچه در ادبیات توسعه بارها به این مطلب اشاره شده كه در روند توسعه از اشتغال بخش كشاورزی كاسته و مازاد نیروی كار این بخش به بخش های صنعت و خدمات منتقل شده است، اما باید به این نكته توجه كرد كه این مطلب در شرایطی صادق است كه از همه ی امكانات موجود استفاده ی كامل شود. در ایران از زمین، آب، اقلیت های متفاوت و... به طور كامل و بهینه استفاده نمی شود و بنابراین هنوز هم می توان با برنامه ریزی درست و مناسب از منابع موجود و یا خلق منابع جدید، كه با سرمایه گذاری بخش خصوصی پویا و فعال صورت می گیرد، بخش كشاورزی را توسعه داد. در این نوشتار سعی بر آن است تا با بررسی جالش های موجود در بخش کشاورزی به ویژه شرائط خاص ژئواکونومیک ایران با نگاهی به ویژگی های خاص اقتصاد کشاورزی ایران در ابعاد تولید و مصرف، آن چه فراروی سرمایه گذاران داخلی و خارجی می باشد را به رشته تحریر درآورد.

**اقتصاد کشاورزی ایران**

بخش کشاورزی به همراه شکار، جنگل داری و ماهی گیری از کل ارزش افزوده ی بخش های اقتصادی در محصول ناخالص داخلی طبق آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران در سال 1386 سهم 2/11% و از میان شاغلان 10 ساله و بیشتر بدون در نظر گرفتن کارگران فصلی 8/22% را به خود اختصاص داده است. از مجموع 47/3 میلیون واحد بهره برداری در کشور حدود 7/ 86درصد آن ها را واحدهای زیر 10 هکتار تشکیل داده و متوسط اندازه ی واحد های زیر 10 هکتار طی سال های مورد بررسی کاهش یافته است و میانگین کل کشور نیز طی این دوره از 05/6 به 07/5 هکتار رسیده است. بنا به گزارش مرکز پژوهش های مجلس بيش از 90 درصد آب کشور در بخش كشاورزي مورد استفاده قرار مي‌گيرد که اگر تنها راندمان كاربردي آب در اين بخش به ميزان 5 درصد افزايش يابد، مقدار آب صرفه‌جويي شده معادل با كل نياز بخش‌هاي ديگر خواهد بود.  از ديدگاهي ديگر روند كاهش جمعيت روستايي در بردارنده ی اين پيام است كه بايد به دنبال ايجاد فضايي مناسب براي مواجهه با اين پديده باشيم به عبارتي ديگر بايد ظرفيت هاي جديد در اقتصاد كشور و مناطق روستايي تعريف شود و به طور منطقي با اين روندكاهشي براي بالندگي معيشت و اقتصاد جامعه استفاده شود. آمار ها همچنين ما را مجبور به پذيرش دو واقعيت مي كند، يكي اين كه سرانه ی دستيابي به زمين در بخش كشاورزي در كشورهاي در حال توسعه از جمله ایران اندك است (7/0هكتار) و اين در حالي است كه اين ميزان در كشورهاي توسعه يافته ۶‎/۵۹ هكتار است ( Afshar anvari & Marashi, 2014). حال با افزایش رو به انفجار جمعیت و نیاز این جمعیت به تامین غذا، کاهش سرانه ی زمین برای هر شاغل کشاورزی و گسترش خرده مالکی در کشور، وضعیت رو به گزار از اقتصاد معیشتی، سهم بالای مصرف آب در بخش کشاورزی و افزایش نرخ بیکاری در میان شاغلین بخش و بالطبع افزایش مهاجرت از روستا ها به شهر ها شکاف وسیع مطالعه در افزایش بهره وری عوامل این بخش را واضح می سازد. با وجود اين كه سهم بخش كشاورزي در اقتصاد ملي و امنيت غذايي كشور بالاست اما فقط 5 درصد از كل سرمايه گذاري هاي كشور به اين بخش اختصاص پيدا كرده است، يكي ديگر از مشكلات در بخش كشاورزي پايين بودن سطح تكنولوژي در اين بخش است، فناوري هاي نوين كمتر در بخش كشاورزي مورد استفاده قرار گرفته و همين باعث شده كه در زمينه ی بهره وري عوامل توليد از منابع موجود در كشور به خوبي استفاده نشود به عنوان مثال در مورد مكانيزاسيون، ایران هم از نظر ضريب مكانيزاسيون و هم از نظر درجه ی مكانيزاسيون در سطح بالايي قرار ندارد، از نظر آبياري هاي نوين سطح كمي از اراضي تحت پوشش قرار دارد، كمتر از ده درصد بخش كشاورزي با سامانه هاي نوين آبياري، آبیاری می شود و مابقي به صورت سنتي است در نتيجه بهره وري آب در این بخش پايين است. از آنجائی که با افزایش درآمد کشاورزان ضمن بهبود سطح زندگی، میل و رغبت این قشر زحمت کش به تداوم کار در این عرصه افزایش می یابد ولی با توجه به عدم ساماندهی مناسب در عرصه ی بازاریابی و فروش محصولات کشاورزی، کمترین سود حاصل از تولیدات این بخش عاید تولید کننده می گردد و این موضوع تمایل سرمایه گذاران به فعالیت در این بخش را کمرنگ ساخته است. حال با افزایش جمعیت و نیاز این جمعیت به تامین غذا، کاهش سرانه ی زمین برای هر شاغل کشاورزی و گسترش خرده مالکی در کشور، وضعیت رو به گذار از اقتصاد معیشتی، سهم بالای مصرف آب در بخش کشاورزی و افزایش نرخ بیکاری در میان شاغلین بخش و افزایش مهاجرت از روستا ها به شه رها شکاف وسیع مطالعه ی رفع چالش های موجود را روشن می سازد ( Gholamali Asghari, 2011).

**تحلیل تطبیقی اقتصاد کشاورزی ایران و جهان**

از ميان سرمايه گذاري در بخش هاي مختلف اقتصادي، سرمايه گذاري در بخش كشاورزي اهميت و جايگاه خاصي دارد. سرمايه گذاري در بخش كشاورزي علاوه بر اين كه موجب رشد توليد و اشتغال در اين بخش مي شود، با توجه به ارتباطات با ساير فعاليت هاي اقتصادي، به رشد توليد و اشتغال در ساير بخش ها نيز كمك مي كند. بر اساس سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، طبق گزارش جدید این سازمان، به منظور تولید غذای کافی برای جمعیت 1/9 میلیاردی جهان در سال 2050، باید 83 میلیارد دلار سرمایه گذاری خالص در کشاورزی کشورهای در حال توسعه صورت گیرد. در این گزارش آمده است سرمایه­گذاری در کشاورزی باید حدود 50 درصد افزایش یابد ( Azevedo & Paxson, 2014). از این سرمایه­گذاری پیش­بینی­ شده، حدود 20 میلیارد دلار برای تولید محصولات کشاورزی و 13 میلیارد دلار برای تولید محصولات دامی اختصاص خواهد یافت. سرمایه­گذاری برای مکانیزاسیون  بیش­ترین سهم از این بودجه را دارد و پس از آن، توسعه و بهبود سیستم آبیاری قرار دارد. 50 میلیارد دلار دیگر برای ارایه ی خدمات جهت رسیدن به هدف افزایش 70 درصدی تولید بخش کشاورزی و افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی یکی از مشخصه های مربوط به آن باید توسط بخش خصوصی صورت گیرد. البته سرمایه­گذاری دولتی برای ایفای بهتر وظیفه ی نظام کشاورزی و ایجاد امنیت غذایی باید انجام شود که پژوهش و توسعه در بخش کشاورزی از اولویت های سرمایه­گذاری دولتی می باشد. در سال 2000 کل سرمایه ­گذاری بخش دولتی در پژوهش و توسعه ی کشاورزی در جهان فقط حدود 23 میلیارد دلار و بسیار نابرابر بود. کمک­های رسمی توسعه به بخش کشاورزی بین سال 1980 و 2005 حدود 58 درصد کاهش یافت و از سهم 17 درصدی در سال 1980 به 8/3 درصدی در سال 2005 رسید و اکنون در حد 5 درصد باقی مانده است. اما دغدغه­های اقتصادی و سیاسی در مورد پدیده ی تصاحب زمین در کشورهای مختلف رو به افزایش است. برای چنین موضوعی باید راه­ حلی اندیشید که منافع آن به اکثر مردم برسد و امنیت غذایی آنان را تامین نماید ( Barbosa et al., 2015). بررسی روند سرمایه گذاری در بخش کشاورزی ایران طی سال های 1394 تا 1396 نسبت به سه سال 1391 تا 1393 بیانگر کاهش 4/9 درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص این بخش است. در سه سال پایانی برنامه سوم رشد میزان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به طور متوسط 8/29 درصد بوده است در حالی که این رشد در سه سال اول برنامه ی چهارم 4/21 درصد برآورد شده است. مجموع رقم تشکیل سرمایه ی ثابت ناخالص بخش کشاورزی در سه سال 1391 تا 1393 بر حسب قیمت های جاری 53 هزار و 172 میلیارد ریال بوده و در سه سال 1394 تا 1396، 96 هزار و 337 میلیارد ریال سرمایه گذاری در این بخش انجام شده است. همچنین آمار سرمایه گذاری در ماشین آلات کشاورزی نشان می دهد در سال 1396 نسبت به سال قبل از آن کاهش 2/86 درصدی در تشکیل سرمایه ی ثابت ناخالص این بخش وجود داشته است. متوسط رشد سرمایه گذاری در سال های 1393- 1391، 6/17 درصد محاسبه شده و در سال های 1396- 1394 متوسط این رشد 3/45 درصد بوده است. سرمایه گذاری در ساختمان بخش کشاورزی 3/28 درصد کاهش یافت .اما متوسط سرمایه گذاری در ساختمان سازی این بخش طی مدت مورد بررسی از 41 درصد به 7/12 درصد رسید که 3/28 درصد کاهش نشان می دهد. مجموع سرمایه گذاری در این بخش بر حسب قیمت های جاری از 27 هزار و 933 میلیارد ریال در سال های 1393- 1391 به 50 هزار و 180 میلیارد ریال رسیده است. بخش کشاورزی در کشور ما به عنوان یکی از ارکان اقتصادی سهم بالایی در صادرات غیرنفتی، ایجاد اشتغال و ارزش افزوده دارد. به طور کلی بخش کشاورزی را می توان به چهار زیر بخش عمده زراعت، باغبانی، دامپروری، شیلات و جنگلداری تقسیم و به نسبت ضریب هر یک جهت تخصیص منابع و سرمایه گذاری در آن برنامه ریزی کرد. با توجه به اینکه بیش از 95 درصد حوزه ی کشاورزی در اختیار بخش خصوصی است، پیشرفت آن منوط به انجام سرمایه گذاری مناسب خواهد بود. بخش کشاورزي در کشورهاي در حال توسعه به شدت محتاج سرمايه است. ده‌‌‌ ها سرمايه‌‌گذاري اندک منجر به از حرکت افتادن بهره‌وري و سطوح توليد شده است ( Afshar anvari & Marashi, 2014).

**تامین امنیت؛ ضرورتی برای سرمایه گذاری**

در راستاي اهداف توسعه ی هزاره (از اسناد مورد توافق در سازمان ملل) مبني بر نصف شدن ميزان گرسنگان جهان تا سال 2015، سازمان خواروبار جهاني نشان داده است که سالانه حداقل30 ‌‌ميليارد دلار وجوه اضافي مورد نياز است. همچنين ريشه کني کامل گرسنگي تا سال 2050 سالانه چيزي در حدود 90 تا100 ‌‌ميليارد دلار هزينه ی اضافي در برخواهد داشت. ظرفيت کشورهاي در حال توسعه براي پر کردن اين شکاف ‌‌ها محدود بوده و کمک‌‌هاي مالي ديگر کشورها نيز گزينه چندان کارگشايي نيستند ( Jude et al., 2016). در حقيقت سهم کمک ‌‌هايي که به سوي بخش کشاورزي سرازير مي ‌‌‌شوند، به زير 5 درصد کاهش يافته است. شاید بتوان دلیل این گرایش ضعیف به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی که می تواند محور توسعه قرار گیرد را در عدم اطمینان خاطر از برگشت سرمایه جستجو کرد؛ البته کلیه ی صاحب نظران بر بلاخیز بودن ایران اتفاق نظر دلرند، که جایگاه دهم ایران در میان کشورهای بلاخیز گواه این مدعاست. از میان 40 نوع بلایای طبیعی 31 نوع آن در ایران محقق می شود. آخرین گزارش منتشر شده در جهان مبین این است که ایران از 235 حادثه ی طبیعی و فنی طی 42 سال، یازدهمین کشور حادثه خیز جهان شناخته شده است که البته چون هر چالشی این امر نیز با دارویی به نام بیمه قابل درمان است. با تصویب قانون بیمه ی کشاورزی در تاریخ 22 دیماه سال 1387 مبنی بر بیمه ی عوامل تولید؛ راه برای توسعه ی خدمات بیمه ی کشاورزی در جهت حفظ سرمایه و افزایش امنیت سرمایه گذاری بازتر شده و این امکان را به سرمایه گذاران می دهد که با اطمینان خاطر بیشتری به سرمایه گذاری در این بخش بپردازند ( Sidayi et al., 2011).

**راهکارهای حفظ و افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی**

یکی از مشخصه های بارز بخش کشاورزی ایران درصد بالای سهم بخش خصوصی در حدود 95% است. هرچند سهم بالای بخش خصوصی موجب شده است در مواردی که نرخ بازگشت سرمایه پائین بوده است؛ بنگاه تعطیل و سرمایه آن ها به سمت بخش های خدمات رفته و موجب افزایش نرخ بیکاری، مهاجرت به شهرها و دست آخر کاهش تولید در این بخش می شود، بنابراین بايد از حالت فعاليت هايي كه به صورت اقتصاد معيشتي است به سمت فعاليت هاي سودآوري برود. هرچه سودآوري در اين بخش افزايش داشته باشد، زمينه ی جذب سرمايه هم افزايش مي يابد، از طرف ديگر يك سري قوانين و مقررات بايد اصلاح شود تا ما بتوانيم زمينه ی فراهم شدن جذب سرمايه گذاري هاي داخلي و خارجي را فراهم كنيم، لذا در برخي موارد قوانين دست ما را بسته است كه بايد در برخي موارد آن اصلاحاتي صورت گيرد. از طرف ديگر ما بايد به سياست هاي پشتيباني كننده ی بخش كشاورزي هم بپردازيم، يعني علاوه بر اين كه مفهوم كشاورزي را يك مفهوم اقتصادي مي كنيم، اعم از واحد هاي توليدي يا سطوح ملي، بايد اقداماتي انجام دهيم كه امنيت سرمايه گذاري افزايش يابد، كه يكي از اين موارد بحث سياست گذاري ها است، يعني سياست هاي ما در بحث صادرات و واردات بايد پشتيباني كننده ی توليد و از ثبات برخوردار باشد، به معناي ديگر وقتي كسي در زمينه اي در بخش كشاورزي مي خواهد سرمايه گذاري كند بداند كه نياز كشور چيست، تا چه حد مي تواند صادر كند و سياست ها داراي ثبات است و تغيير پيدا نكند و در حقيقت به نوعي بتواند يك برنامه بلند مدت را براي سوددهي طرح ريزي كند ( Amir nezhad, 2015).

از مهمترین راهکار های حفظ و افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی می توان از عناوین زیر یادکرد:

1-ثبات قوانین و مقررات

2-معافیت های مالیاتی و عوارض

3-تقویت بیمه

**اقدامات راهبردی برای حفظ و توسعه زیر ساخت های سرمایه گذاری**

همانگونه که قبلا گفته شد نزدیک به 95% کشاورزی سهم بخش خصوصی است، که از طرفی مزیت و از طرفی با کوچکترین بحران بازار و شرایط اقلیمی سرمایه به بخش های دیگر منتقل می شود. از سویی دیگر بررسی ها نشان دهنده ی وجود خرده مالکیت در بخش است که به علت فقر مالی و اطلاعاتی و نیز اقتصاد معیشتی کشاورزی نقش دولت برای سرمایه گذاری پر رنگ تر می شود. دولت با اعطای تسهیلات بانکی می تواند سطح بهره وری کشاورزی را افزایش داده و بالطبع درآمد عایدی بخش افزایش می یابد. بدین ترتیب تمایل سرمایه های کلان برای فعالیت در این زمینه زیاد می شود. نگاهی گذرا به روند بازگشت سرمایه در بخش کشاورزی نشان دهنده ی مزیت دیگر این بخش است که بازگشت سرمایه در کوتاه مدت و میان مدت میسر می باشد که در بخش های دیگر در سطح کلان کمتر قابل دست یابی است. با ایجاد صنایع تبدیلی در نزدیکی قطب های تولیدی، هزینه های حمل و نقل، نیروی انسانی بومی و غیره برای تولید کننده کاهش یافته و مناطق حاصل خیز و پر بازده ارزش بیشتری برای فعالیت کشاورزی پیدا می کنند و نه برای خدمات و داد و ستد زمین. تولید در فضای باز و عوامل و نهاده های طبیعی و تهدید از سوی همین عوامل که اگر در زمان نا مناسب و یا مکان غیر دلخواه باشد تهدیدی برای تولید هستند نیز از شاخصه های این بخش می باشد. مضاف بر آن همچون هر فعالیت اقتصادی وجود ریسک در بازار محصولات؛ این بخش را آسیب پذیر کرده است. بنابراین ایجاد امنیت خاطر و آرامش برای سرمایه گذاری تولیدی کشاورزی رخ نمون شده و نقش بیمه ی کشاورزی و توسعه ی آن را نمایان می سازد. امروزه بسیاری از کشور ها به دلیل عدم تکافوی منابع مالی برای سرمایه گذاری، به سرمایه گذ اری خارجی چه به صورت مستقیم و یا به صورت سهام داری خارجی روی می آورند که سهولت و قابلیت اجراء و ثبات قوانین می تواند چراغ سبزی برای سرمایه گذاران خارجی باشد. البته ایران به خاطر قرار داشتن در کنار راه گذر های بین المللی و در اختیار داشتن نهاده های ارزان، ایجاد تسهیلاتی چون معافیت های مالیاتی، امکان فروش چه در بازار های بین المللی و چه در بازار خارجی، اعطای تسهیلات سرمایه گذاری مناسب را برای سرمایه گذاران خارجی ایجاد کرده است که می توان علت ضعف موجود در این زمینه را بازار یابی ضعیف برای جذب سرمایه های خارجی دانست.

**نتیجه گیری**

بخش کشاورزی به دلایل پیش گفته، با گریز سرمایه به دلیل عدم توان رقابت با بخش صنعت و به ویژه بخش خدمات است، این در حالی است که افزایش قیمت برخی نهاده ها و از جمله حامل های انرژی تأثیر مستقیم بر قیمت تمام شده کالاهای کشاورزی و ستانده ها در قیاس با داده ها و بهره وری بخش کشاورزی دارد که باید در آن اندیشید و طرح هدفمند کردن یارانه ها نیز عنایت ژرفی به موضوع داشته باشد. یکی از ابزارهای بسیار موثری که نباید معقول بماند موضوع بیمه ی کشاورزی است که در واقع تضمین کننده و جبران کننده ی زیان های ناشی از بلایای قهری و طبیعی و نیز توسعه ی بیمه درآمد و تضمین تولید است که زیان های بازار را زیر پوشش قرار می دهد. بحث دیگر موضوع تکمیل زنجیره ی تولید و اهمیت مضاعف به صنایع تبدیل است که در کنار بازار یابی مناسب هرچه بیشتر بخش را به سوی سودآوری سوق می دهد. این در حالی است که بررسي اوليه نشان مي‌دهد، آثار مستقيم حذف يارانه حامل‌هاي انرژي در بخش زراعت 2 تا 40 درصد، افزايش هزينه در پي دارد كه بسته به نوع محصول و ميزان انرژي مصرفي 2 درصد كمترين مربوط به توليد شلتوك برنج و 40 درصد در توليد ذرت اتفاق مي‌افتد. اثرحذف يارانه حامل هاي انرژي در بخش محصولات باغي بين 3 تا 23 درصد افزايش هزينه در بر دارد كه 23 درصد مربوط به توليد خرما و نخلستان ها است، همچنين در بخش دام و طيور پروار بندي گوساله با 2 تا 3 درصد افزايش هزينه و توليد شير و فرآوري آن 13 درصد افزايش هزينه خواهد داشت. اين افزايش قيمت ‌هاي متصور در شرايط وضع موجود است، اما در همين محاسبات برخي از توليد‌كنندگان عملكرد 2 تا 3 برابر ميانگين عملكرد كشور دارند، بنابراين با افزايش بهره‌ وري امكان دستيابي به عملكرد بيشتر وجود دارد و منجر به اين مي‌شود كه آثار افزايش هزينه را كاهش مي‌دهد. در هدفمندي يارانه ها در بخش كشاورزي حركت به سمت مبارزه بيولوژيك و استفاده از كودهاي زيستي و توليد محصولات ارگانيك مد نظر است. يكي از اين ابزارهاي حمايتي تعرفه ‌هاي واردات است كه بايد به جاي عدد تعرفه به نظام تعرفه ‌اي توجه شود. در بخش نظام تعرفه ‌اي چند گزينه وجود دارند كه بايد از همه ی انواع آن استفاده شود، تعرفه سهميه‌ اي يكي از انواع تعرفه است كه براي كالاي مورد نياز، به قدر نيازمندي واردات انجام شود و پيش از سقف آن نياز، تعرفه به شدت افزايش پيدا كند، اما تا سقف نياز كشور تعرفه واردات پايين باشد، اين سيستم تعرفه جديدترين روش اعمال تعرفه ها است. همچنين تعرفه ی فصلي براي واردات از ابزار هاي حمايت كشاورزي است، ابزارهاي تعرفه متنوع است كه جديدترين و مهمترين آن تعرفه ی سهميه ‌اي است.
منابع حاصل از آزاد سازي قيمت حامل هاي انرژي بايد صرف افزايش بهره‌وري در دراز مدت و ايجاد رقابت ‌پذيري فضاي توليد كشاورزي شود و رقابت‌ پذيري نيازمند زمان است. يكي از نكات مهم هدفمندي يارانه استفاده از ترجيحات بوده، بايد از ترجيحات اشاره شده در لايحه ی هدفمندي يارانه ‌ها استفاده شود، به عنوان مثال در آزاد سازي قيمت برق براي كشاورزان به جاي حذف يكباره ی يارانه ی انرژي به تدريج يارانه ی برق براي كشاورزي كاهش يابد و تعرفه ی برق براي كشاورزي ظرف 10 سال واقعي شود. ماهيت كشاورزي به گونه ای است كه معمولا 9 ماه از سال طول مي ‌كشد، تا كشاورز با كاشت يك محصول به درآمد برسد و براي حمايت از زارع، هزينه ی تعرفه برق كشاورزي بايد 6 تا 9 ماهه پرداخت شود. در مورد سياست تثبيت نرخ ارز و تاثير افزايش بر واردات نیز اين سياست از جمله سياست هاي كلان است كه بخش كشاورزي را متاثر كرده، مي‌تواند به واردات دامن بزند و قيمت صادرات را تعديل و كاهش دهد كه به ضرر صادرات است، اما اين سياست كلان است كه در اختيار بخش كشاورزي قرار ندارد. سياست تثبيت نرخ ارز چاقوي دولبه‌اي است كه از يك طرف نهاده ‌هاي كشاورزي وارداتي ارزان وارد مي ‌شود و هر چه نرخ ارز پايين باشد به نفع توليد ‌كننده است، از طرف ديگر براي صدور كالا رقابت را با مشكل مواجه مي‌كند. اگر با دلار ارزان نهاده توليد و ماشين‌آلات وارد شده به نفع توليد داخلي است، ولي اگر محصول نهايي وارد شود به ضرر توليد داخلي تمام مي‌شود.

**منابع**

1-Abbas Razvi, S. and Nishat, M. (2009) The Impact of Foreign Direct Investment on Employment Opportunities: Empirical Evidence from Pakistan, India and China, 48: 841–851.

2-Afshar Anvari, S. and Marashi, H. (2014) The Effect of Investment on Employment and Income in the Industrial Sector Using the Pattern of Self Returning, 1-12.

3-Amir Nezhad, H. (2015) The Impact of Value Added and Investing on Agricultural Employment. Entrepreneurship and Agriculture, 3 (2): 34-27.

4-Azevedo, A. and Paxson, D. (2014) Developing real option game models. Eur. J. Oper. Res, 237(3): 909–920.

5-Barbosa, D., Carvalho, V. and Pereira, P. (2015) Public stimulus for private investment: An extended real options model, Economic Modeling, 3 (52): 742–748.

6-Danesh Jafari, D. and Karimi, S. (2011) Privatization of municipal services is a sustainable method in financing municipalities, a case study: Tehran Municipality, the fourth conference on municipal finance, problems and solutions, 2 (1): 127-155.

7-Gholamali Asgari, M. (1390) The Effect of Private and Governmental Investments on Economic Growth in Iran. Journal of Applied Economics, 2 (5): 100-120.

8-Jafari, H. and Mohammadi, A. (2012) Examining the realization of some goals of the general policies of Article 44 in the transfer of state-owned companies, accounting knowledge, 12 (46): 11-47.

9-Jude, C., loana, M. and POP, S. (2016) Employment effects of foreign direct investment: New evidence from Central and Eastern European countries, International Economics, 3 (145), 32–49.

10-Mirzaie, H. and Mirzaie, S. (2011) Factors affecting the improvement of domestic and foreign investment environment in the city of Tabriz, the fourth municipal finance conference, problems and solutions.

11-Pazhoyan, J. and Khosravi, T. (2012) The Impact of Inflation on Private Sector Investment, Journal of Investment Knowledge, 1 (4): 1-17.

12-Rajaie, S. and Khorasani, M. (2013) Study and feasibility study of the capabilities and capabilities of the region to attract private sector investment in District 10 of Tehran Municipality and Tehran Studies and Planning Center.

13-Sidayi, S., Bahari, J and Zarei, A. (2011) A Study of the Status of Employment and Unemployment in Iran during the Years 1335-1389, 1 (25): 217 -245.

14-Udoh, E. (2011) An Examination of Public Expenditure, Private Investment and Agricultural Sector Growth in Nigeria. International Journal of Business and Social Science, 2 (13): 285-292.

15-Yari, H. (2011) A review of financing methods and investments in municipal projects, the organization of municipalities and rural areas of the country.

**The role of the private and public sectors in the agricultural economy**

**Pooria saadollahi[[2]](#footnote-2)**

**PhD in Agricultural Extension and Education, Islamic Azad University, Birjand Branch**

Abstract

Investment is the driver of economic growth in any country. Investment in most countries, especially in developing countries, including Iran, is done by the private and public sectors. Among the investments in different economic sectors, investment in the agricultural sector has a special importance and position. Investment in the agricultural sector, in addition to promoting growth, production and employment in this sector, also contributes to growth, production and employment in other sectors, given the past and present relationships with other activities. The agricultural sector has been the most important economic sector of the country due to the added value of production, but in recent years, a small share of the country's investment has always been allocated to this sector. Due to the high efficiency of investment and labor productivity in this sector compared to other sectors, for reasons such as high investment risk, unbridled inflation and lack of economic stability, investors are reluctant to operate in the agricultural sector. In Iran, the government is the most important supporter of the agricultural sector, which can lead to the growth and development of the private sector by creating a secure political, economic and supportive policies and long-term investment. This study examines the trend of private investment in Iran, the agricultural economy in Iran and the world, and strategies for securing and maintaining investment.

Keywords: Agricultural Economics, Private Sector, Public Sector

1. **Corresponding author:** psaadollahi@yahoo.com +989181336703 [↑](#footnote-ref-1)
2. Corresponding author: +989181336703 psaadollahi@yahoo.com [↑](#footnote-ref-2)